

بستهٔ املا

ستایش (لطف خدا)

◆ حلاوت سنج معنی - خوار و زبون - قرین حال - سعادت و اقبال - تیره‌رایی و گمراهی

درس یکم: نیکی

◆ لطف و صنع - شغال نگون بخت - قوت و غذا - زرخدان و چانه - جیب و یقه - تیمار و مراقبت - دیوار محراب - دغل و حيله‌گر - دون‌همت و دارای طبع پست - روز حاجت - ننگ و عار - ضایع و تباه - درخت ارغوان - نیروی همت - حمیت و غیرت

درس دوم: قاضی بُست

◆ قاضی بُست / کران رود هیرمند / حَسَم و ندیمان و مُطربان / خیمه و شِراع / از قضای آمده / امیر برخاست / امیر کشتی‌ها
بخواست / هزاهز و غریو خاست / جشن و سور / قصر و کوشک / اضطراب و تشویش / اعیان و وزیر / خدمت استقبال / لشکری
و رعیت / غزنین و هرات / حادثهٔ بزرگ و صعب / مقرون و همراه / مُسْتَحِقَّان و فقرا / به توقیع مؤکد گشت / تب سوزان و
سرسام / محجوب و مستور / اَطْبَا و پزشکان / متحیر و سرگشته / عارضه و حادثه / نُکت نامه‌ها / کراهیت و ناپسندی / بونصر
و آغاجی خادم / تاس و کاسه / پیراهن توزی / عِقْد و مِخْنَقَه / عَلْت و تَب / زایل و نابود / خدای عَزَّ وَ جَلَّ / همایون و فرخنده /
گسیل و روانه / به نشاط قلم در نهاد / کارهای خطیر و مهمات / فارغ و آسوده / خیل‌تاشان و حشم / رُقعت و نامه / هزار مثقال زَر
پاره / غزو هندوستان / بُتان زَرَّین / حلال بی‌شُبُهت / اندک مایه ضیعت / گُزاردن حق / صِلَت فخر / دربايست و ضرورت / وزر و
وَبال / طریق سُنَّت مصطفی / خواجه عمید / علی‌ایّ حال / احوال و عادات / حساب و توقّف قیامت / اندک مایه حُطام / اندیشه‌مند
و متفکر /

◆ زاغ و کلاغ / فَرَاغ و آسودگی / باغ و راغ / عرصه و پهنه / عرضه‌ده مخزن پنهان کوه / شاهد آن روضهٔ فیروزه‌فام / خُطوات
متقارب / در پی‌اش القِصّه در آن مرغزار / اُسلوب و قاعده / غَرَامَت زده و تاوان زده /

درس سوم: در امواج سند

◆ قرص خورشید - باره و اسب - فروغ خرگه خوارزمشاهی - خوناب شفق - شمشیر تیز عاقبت سوز - اخترهای انبوه - غلتیدن
و چرخیدن - رود سند - سیماب‌گون امواج - سوارانی زره‌پوش - غول و مغول - بند اهریمن - لشکری خُرد - قدر و ارزش -
تاج و افسر -
◆ خدای عَزَّ وَ جَلَّ - ثمرهٔ معین -

درس پنجم: آغازگری تنها

◆ اعطا و واگذاری - دارالسلطنه تبریز - آغامحمدخان قاجار - نائب‌السلطنه، عباس میرزا - میرزاعیسی قائم مقام - اذن و رخصت - رعیت‌پروری - بزرگان طوایف و قبایل - کشتار و تباهی - تصرف و تسلط - رقابت شاهزادگان - تقدیم هدایا - بساط نوروزی - آذربایجان و گرجستان - لعابی از تشریفات - تب و تاب و التهاب - بختک و کابوس - حلقه و چنبره - رأس و آغاز - تسخیر و تصرف - تحت‌الحمایگی و مستعمره - صیرف و محض - توازن قوا - چیرگی رقیب - نعره‌های شترهای حامل زنبورک - قاطر بارکش - آهنگ طبل - مشتاقانه و مصمم - شعله و تنوره - معبد و پرستشگاه - ناظران و بینندگان - نهیب و صفیر - صدای مهیب - بستر فوران خشم و آز - نفوذ به حصار - پهنه شهر - برگ‌های خزان زده - عرصه روز محشر - واپسین رمق - سقفی از غبار - اهتزاز و جنبیدن - ناله‌های واماندگان - فراز قله‌های قفقاز - صحنه‌های ناب - توفندگی فرزندان میهن - سرسپردگی و خودفروختگی - موعد و هنگام - موج‌های سنگین و افسارگسیخته ارس - بزم و رزم - غرض و هدف - علی‌رغم محرومیت - تحسین و اعجاب - عهدنامهٔ ننگین گلستان - کشوری نامنجم - زبونی و فروماندگی و درماندگی - یک‌سویه و تک‌بُعدی - گریزان و فراری - خوی و خصال -

◆ محدودیت‌های اردوگاه - برگزاری کلاس - نفع و بهره - دریغ کردن - آقای شایق - وقفهٔ دو هفته‌ای - زمان مقرر - مراسم مفصل - صلیب سرخ - تأمین نیازها - منسوب به بعث - اعیاد مذهبی - طبع شعر - موزون و هماهنگ - جذابیت متن - دکلمه‌های حماسی - غیرت و حمیت و تعصب - رجز و کُری خوانی - آیهٔ یأس - احساس طرد شدن - منزوی و گوشه‌گیر - افراط و تفریط - ترجیح و برتری - روزهای غربت - شرایط سخت و طاقت‌فرسای اسارت -

درس ششم: پروردهٔ عشق

◆ رایت و علم - بیچارگی و چاره‌گری - حاجت‌گه جملهٔ جهان - محراب و قبله - موسم حج - مهد و محمل - سعی و جهد - گزاف‌کاری و بیهوده‌کاری - حلقهٔ زلف کعبه - سرشت و فطرت - غایت و نهایت - سری سَقَطی - کوه لُکام -

درس هفتم: باران محبت

◆ انواع و اصناف - وسایط گوناگون - گل و طین - اختصاصی دیگر - تعبیه و جاسازی - فرشتگان مُقَرَّب: جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و عزرائیل - حضرت و آستانه - خلیفت و جانشین - عزت و ذوالجلالی - تاب و طاقت - قُرب و هم‌جواری - نهایت بُعد - قربت و نزدیکی - طوع و رغبت - اکراه و اجبار - قهر و غضب - یک قبضه خاک - مکه و طائف - دندان تحیر - خوار و ذلیل - اعزاز و بزرگداشت - مذلت و فرومایگی - غنا و بی‌نیازی - الطاف الوهیت - حکمت ربوبیت - سِرِّ ملائکه - ازل تا ابد - معذور و مقبول - نقش‌های بوقلمون - نظر عنایت - از او بگریزد - در او آویزد - نفایس خزاینِ غیب - آب حیات - نظر خازنان - گوهر محبت - صدف امانت معرفت - عرضه و ارائه - استحقاق خزانگی - ملایکهٔ مقرب - ابلیس پُر تلبیس - طواف کردن - قالب آدم - آسیب و آفت - موضع و مکان - مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد - نجم‌الدین رازی معروف به دایه - تحصیل فضل - رغبتی صادق - رتبه و منزلت - خواهش و تمنا - حاجت و نیاز - مزد و اجرت - رأفت و شفقت - مُتَلألئ و تابان - ظاهر و هیئت - محرم اسرار -

◆ آفتاب حسن - چهرهٔ مُشعشع - هم‌رهان سست‌عنصر - آن آشکار صنعت پنهان -

درس هشتم: در کوی عاشقان

◆ شیخ فریدالدین عطار - اسرارنامه و منطق الطیر - جلال‌الدین مولوی - مناسک حج - آوازۀ فضل و تأثیر بهاء‌ولد - اهل قونیه - تاخت و تاز مغول - صاحب بصیرت - هجرت به آن نواحی - اصرار مریدان - مجالس درس و وعظ - شهر حلب - عازم و راهی - طالبان علوم شریعت - محضر و مجلس - تقوا و زهد - مُتَّفِق و موافق - علوم و معارف - سیر و سلوک - هیاهوی مردم - غزل‌های پرسوز و گداز - صنم گریزپا - بهانه‌های زرین - خوش لقا و خوش‌سیما - قول و وعده - انقلاب احوال - افغان و زاری - کوی و برزن - صلاح‌الدین زرکوب - حُسام‌الدین چلبی - خواهش و درخواست - طرز و شیوه - الهی‌نامهٔ سنایی - سربند و دستار - آغاز مثنوی - سخت‌جذاب - سیرت ستوده - طعن و ناسزا - نرمی و حُسن خُلق - عزم تماشا - تشییع و مشایعت - دریغ و افسوس - رُستن و رویدن - مرغ خوش‌الحان - گلشن رضوان -
◆ خادم خاص - قدس‌الله روحه‌العزیز -

درس نهم: ذوق لطیف

◆ قَم و کبوده - مقاومت و استحکام اراده - بحران‌های عصبی - تحفه و هدیه و ارمغان - منبع بی‌شائبهٔ ایمان - خواست و مشیت الهی - زندگی گذرا - فاجعه‌ای بینگارد - قناعت و بُخل - عاری از آسایش - منزله و مثل - عوارض مرگ - ظرافت و نقل و داستان - قصه‌های اصیل - قرآن و مفاتیح‌الجنان - لطایف غزل - شعرهای اندرزی و تمثیلی - انعطاف جادوگرانه - هیبت یک آموزگار - حُجره و عُرفه - سراچهٔ ذهنم آماس می‌کرد - فُوران تخیل - خَم و قوز - فَرط هیجان - لَگه دویدن - خُل و کم‌عقل - پالیز و بوستان - تقلید از سبک مسجّع - سوق و هدایت - شیر آغوز - پایهٔ عضله و استخوان‌بندی - حرص و آز - مرض استسقا - سهل‌ممتنع

◆ متعصب و غیرتمند - راضی و مسرور - تابان و دُرُفشان - طراوت و تازگی - عرض تبریک و تهنیت - رفیق خوش‌خُلق و بذله‌گو - عندلیب انجمن اُنس - محسوب و مقبول - ادا کردن - مسرت و خوشی - لفاف کاغذی - متأثر و ناراحت - ادب و تواضع - نهایت صراحت و سادگی - صاحب ذوق و قریحه - ملک‌الشُعراى بهار - اِرْتِجالاً و بِالْبِداهه - امیرمُعزّی - مدح گیوه - قوَت طبع - به نقد و در وضعیت حاضر - توأم بودن حُسن سیرت با صَباحت - تصادف و اِتِّفاق - کار به‌سزا - فروگذاری و دریغ - به شکل بدیهی میناق امروز را مُؤکِّد سازیم - ضبط کردن میان اوراق - قاصد بهار - طهارت دوشیزهٔ بوستان - احوال و انقلابات - حمایت و کمک - سلب کردن و گرفتن -

درس دهم: بانگ جرس

◆ برگ و آذوقه - سدّ خار و خاره - بانگ رحیل - رکاب راهوار - فرعونیان و قبطیان - شیطان و اهریمن - کلیم و سامری - هامون و صحرا - فرض و ضروری - آهنگ سفر - داغ دیر یاسین - طور سینین - عَلم و پرچم - رهوار و تندرو - رشحه و چکه - مَشک و انبان
◆ قالب و هیئت - مَحْوِطهٔ اَفتابی - بار و رخصت - بار عام رحمت الهی - خُلول این صبح - اینارگران سهیم در این جِماسهٔ سَبترگ

درس یازدهم: یاران عاشق

◆ گلوی سحرزاد - دف عشق - زخم انکار - مرهم و التیام‌بخش - فرط عشق - عهد و بیعت - زرینه و سیمینه - قالب و هیئت
◆ ظهر آدینه - جغد و ویرانه

درس دوازدهم: کاوهٔ دادخواه

◆ اساطیر و افسانه‌ها - درفش و بیرق - ضحاک معرّب اژی‌دهاک - مظهر خوی شیطانی - مرداس پدر ضحاک - خوالیگری
چالاک - عهدۀ علاج - تسکین درد - کهتران و مهترزادگان - خواهی اهریمنی - منش خبیث - چیرگی و تسلط - کردار
فرزانگان - نام دیوانگان - فضیلت و لیاقت - خوار و ارجمند - به تنگی فراز کشیدن - محضر و استشهدانامه - تبرئهٔ خویش -
سپهبد سپاه - بهر ما - ترس گیهان‌خدیو - آهرمن و شیطان - برخاست غو - فتراک و برگستوان - سوفار تیر
◆ شهره و مشهور - بدر و هلال - رستم زال - الحاح و اصرار - لایق و فایق - نبرد خواست - حسرت روزگار - سخنان بی‌پایه
و اساس.

درس چهاردهم: حملهٔ حیدری

◆ عمرو، آن سپهر نبرد - برانگیخت ابرش - حبیب خدا - هوا و هوس - طالب رزم - بهر رخصت دوید - از او خواست دستوری
- ابا و امتناع - هُزبر ژیان - سهم و ترس - شیر اله - علم کرد - بیفشرد پا - شاهد آرزو - زره و قبا - آداب ضرب - هفتاد
حرب - شجاع غضنفر، وصی نبی - خصم و دشمن - دو دست دریغ - تپیدند بت‌خانه‌ها - اخلاص عمل - منزّه از دغل - کرد او
اندر غزایش کاهلی - مبارز حیران - عفو و رحم بی‌محل - بندهٔ حق - مأمور تن
◆ کیش فرزانیگی - رسم مردانگی - اوج عزت

درس پانزدهم: کبوتر طوقدار

◆ ناحیت کشمیر - مُتصدی خوش - مرغزاری نزه - عکس ریاحین - پر زاغ - دُم طاووس - شاخ زُمرد - متواتر و بیایی -
حوالی و اطراف - صیادی خشن جامه - حبهٔ بینداخت - مُطوقه و طوق‌دار - طاعت و مُطاوعت - گرازان و نازان - ضبط و نگهداری
- اضطراب و بی‌تابی - مجادله و ستیز - استخلاص یاران - تخلص و رهایی - صواب و صلاح - طریق تعاون - دفع حوادث -
قفا و پشت سر - ستیزه‌روی و گستاخ - منقطع و بریده - دهای تمام - زبرا و مطوقه - مواضع و جای‌ها - گریزگاه روز حادثه
- تیمار و مواظبت - فراخور حکمت - بر حسب مصلحت - زهاب دیدگان - رفیق موافق - قضای آسمانی - ورطه و مهلکه -
التفات و توجه - حاجت و نیاز - حقوق مرا به طاعت و مناصحت بگزارند - معونت و مظاهرت - موجب سیادت را به ادا رسانید
- اهمال و سهل‌انگاری - ضمیر و باطن - رخصت و اجازه - در وقت فراغ موافقت اولی‌تر - طاعنان مجال وقیعت یابند - ارباب
مودت - خصلت پسندیده - سیرت ستوده - صافی و بی‌غش - ثقت و اطمینان - جد و رغبت - مطلق و ایمن -
◆ سبیل اعتذار - خداوند عزّ و جلّ - قناعت و خرسندی

درس شانزدهم: قصهٔ عینکم

◆ تعلیمی و کِراوات - چیز فرنگی‌مآبی - افراط و تفریط - طعنه و متلک - علم یزید - دید و سوی چشم - شتر افسارگسیخته - شلخته و هردم بیل و هپل و هپو - مهملی و بی‌کارگی و ولنگاری - نوحه‌سرایی و روضه‌خوانی - تعزیه و مرثیه - شیرین‌زبان و نقال - زادالمعاد و کتاب جودی - پیرزن کذا - کمین و فلا - بقچه و دستمال - عینک موصوف - مُضحک و مسخره‌آمیز - طالع و تابان - سوء ظنّ معلّم - قوز بالا قوز - مُغتنم و غنیمت‌شمرده - قیافهٔ یغور - قریب و نزدیک - مسحور و مجذوب - اصرار و پافشاری - قوّال و دوره‌گرد - دستهٔ هفت‌صندوقی - صدای مهیب - هر و هر و قهقهه - مات و مبهوت - جلسه و کمیسیون - ابلاغ نامه - صحن شاه چراغ - پانزده قران پول -

◆ قبا و جامه - میدان مُخبرالدوله - حیاط محقر - سلاح تپانچه - ترجیح و برتری - چرتکهٔ جمع و تفریق - طهارت و خلوص - محضر خدا - محرّم و سفر - موقر و آرام - رنج رعیت - خان‌های قداره‌کش - تلمذ در محضر مدرّس - چلهٔ کمان - موهبتی الهی - نظام مطلوب - غول بی‌شاخ و دم - جاهل و مُستبد - مسامحه و سهل‌انگاری - مسائل قابل تأمل - ذهن و چنته - تأثر و اندوه - وابستگان به اجانب - روحانی تمام عیار - مشروطیت و مشروعیت - بساط قلدری - طلباب حوزه - حدّت و شدّت - ارکی به رفعت ایمان - خطر و مخاطره -

درس هفدهم: خاموشی دریا

◆ چراغ و چراغدان - تقدیر و سپاسگزاری - غوغا و هیاهو - فروتنی و تواضع - برزیگر و دهقان - تهی و خالی - زنه‌ار و برحذر باش

درس هجدهم: خوان عدل

◆ خوان عدل - اسمای صدگانه - فکر و حواس - بهره‌ای والاتر از بهر من - مُمدّ حیات - مُفرّح ذات - معتبر و محترم - فراز سر - برّ و بحر -

◆ هلهله و آوای مرغان - طنین‌افکن - محض و صیرف - شور و شعف - تند غلتیدن - چند مرحله از حیات - جوهر و باطن - محدود و مقید - آذرباد و آذرخش -

◆ معصیت و عصیان - عزم بر بندگی - حشر و قیامت - هول و هراس

واژگان هم‌آوا: واژگانی هستند که تلفظ آنها یکسان، اما املا و معنای آنها متفاوت است: قالب و غالب

واژگان شبه‌هم‌آوا: واژگانی هستند که در تلفظ، کمی اختلاف دارند؛ اما املا و معنای آنها متفاوت است: «ذلت و زلت»، «فراغ و فراق»

مغلوب: شکست‌خورده / مقلوب: دگرگون شده	متاع: کالا / مُطاع: فرمانروا، اطاعت شده	قربت: نزدیکی / غربت: دوری، تنهایی
حیات: زندگی / حیات: صحن خانه	اثاث: وسایل خانه / اساس: پایه، بنیاد	امل: آرزو / عمل: کار
منسوب: نسبت داده شده / منصوب: به کاری گماشته شده، نصب شده	اشباح: سایه‌ها (جمع شیخ) / اشباه: همانندان (جمع شبه)	حرص: آرز، طمع، زیاده‌روی / هرس: بریدن شاخه- های اضافی
خوان: سفره، مرحله / خان: رئیس، مرحله	ازار: شلوار / عذار: چهره	قالب: شکل و هیئت / غالب: چیره، برتر
بحر: دریا / بهر: برای، بهره و نصیب	ارض: زمین / عرض: پهنا	تبع: پیروی / طبع: طبیعت، ذات، سرشت، چاپ
صبا: بادی که از شمال شرق می‌وزد / سبا: نام سرزمین بلقیس	امارت: فرمانروایی، امیری / عمارت: ساختمان، آباد کردن	خواستن: درخواست کردن، طلب کردن / خاستن: برخاستن، بلند شدن
صغیر: صدای بلند و تیز / سفیر: فرستاده، نماینده	الم: درد و رنج / علم: پرچم، بیرق، درفش	طوفان: باد و باران شدید / توفان: توفنده و غران
عبا: بلاپوش / ابا: امتناع، خودداری	القا: آموختن / الغا: لغو کردن	ثقت: اعتماد / سقط: بی‌ارزش، نابود
ثمر: میوه / سمر: افسانه	تهدید: ترساندن / تحدید: مرزبندی، تعیین حد و مرز	ستور: چهارپا / سطور: جمع سطر
تنا: ستایش / سنا: نور و روشنی	حوزه: ناحیه / حوضه: حوض(مربوط به آب است)	سُخره: مسخره / صخره: سنگ‌های کوه
ثواب: پاداش / صواب: درست	حول: اطراف / هول: ترس و وحشت	سلاح: وسیله جنگی / صلاح: نیکی، مصلحت
جزر: پسروی آب دریا(متضاد مد)/ جذر: ریشه دوم عدد	خار: تیغ / خوار: پست و کوچک، سهل و آسان	سور: جشن و شادی / صور: شیپور، بوق
حایل: مانع / هایل: ترسناک	نواحی: جمع ناحیه / نواهی: نهی شده‌ها	قاضی: داور / قاضی: جنگجو، مبارز
حجر: سنگ / هجر: دوری	خورد: بن ماضی خوردن / خرد: کوچک	غدر: خیانت / قدر: ارزش، نام سوره قرآن
حذر: دوری و پرهیز / حضر: ماندن (متضاد سفر)	خوبیش: خود، فامیل، خویشاوند / خیش: گاوآهن	غرابت: دوری، شگفتی / قرابت: نزدیکی
حزم: دوراندیشی، احتیاط / هضم: گوارش	ذلت: خواری و پستی / زلت: خطا و گناه، لغزش	غرض: منظور / قرض: وام
حلال: مباح و جایز / هلال: ماه اول برج	رسا: شیوا / رثا: سوگواری	فراق: دوری / فراغ: آسودگی، آسایش
مأمور: فرمان‌بر / معمور: آبادان، آباد شده	متبوع: پیروی شده / مطبوع: خوشایند و خوب	مستور: پوشیده، پنهان / مسطور: نوشته شده
غذا: خوراک / غزا: جنگ و پیکار / قضا: تقدیر و سرنوشت	نغز: خوب و خوش / نقض: شکستن، شکستن عهد و پیمان	مثنور: پراکنده، نوشته شده به نثر / منصور: پیروز، یاری شده
روزه: یکی از فروع دین / روضه: باغ، مطالبی که در عزا و سوگواری می‌خوانند.	طاق: سقف قوسی شکل، یکتا، خمیدگی / تاق: نام درختچه‌ای کوبیری	گزاردن: ادا کردن (نماز گزار)، اجرا کردن (خدمت‌گزار) گذاردن: قرار دادن، اجازه دادن، رها کردن و ...
سطوح: جمع سطح / ستوه: خسته و درمانده	قول: وعده / غول: موجودی خیالی و ترسناک	اِصرار: رازها / اصرار: پافشاری
ظن: گمان / زن: جنس مونث	فرض: لازم و واجب / فرز: چابک و چالاک	مَحْمِل: مهد، کجاوه / مَهْمَل: بیهوده
سَمَن: یاسمن، نوعی درخت گل / ثمن: قیمت، بها	غو: فریاد / قو: نام پرند	عیار: معیار / ایار: خرداد ماه
شصت: ۶۰ / شست: انگشت شست، زه‌گیر	مألوف: انس‌گرفته / معلوف: چاق	أزل: زمان بی‌آغاز / عزل: برکنار کردن
غلیان: شدت هیجان عاطفی / قلیان: ابزار بیماری‌زا	تحلیل: هضم کردن / تهلیل: لا اله الا الله گفتن	قِصَه: داستان / غصه: غم
تین: انجیر / طین: گل، خاک	تَب: حرارت زیاد بدن / طِب: پزشکی، طبابت	رایت: علم، پرچم / رعیت: مردم زیر دست
انتساب: نسبت دادن / انتصاب: گماشتن، نصب کردن	راضی: خشنود، قانع / رازی: اهل ری	سفر: مسافرت / صفر: نام یک ماه قمری
طور: کوه، نام یک کوه / تور: پارچهٔ سوراخدار، نوعی دام	قریب: نزدیک / غریب: دور، تنها، بی‌کس	

فارسی ۲ - سوالات پایانی «املا»

۰/۵	۱	املاي درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. (اردیبهشت ۱۴۰۳، خانم جوکار، فارس) الف) بیامد به درگاه سالار نو بدیدنش آن جا و (برخواست / برخاست) غو. برخاست ب) توز قرآن ای پسر ظاهر مبین دیو آدم را نبیند غیر (تین / طین) طین
۰/۵	۲	در متن زیر یک غلط املايي وجود دارد، آن را بیابید و شکل درستش را بنویسید. (اردیبهشت ۱۴۰۳، خانم جوکار، فارس) «دیری نگذشت پرچم روس‌ها در خاک آغشته به خون بی‌گناهان به اهتزاز درآمد. بادهای اواخر زمستان، ناله‌های وامانده‌گان را با بوی خون جوادخان و هزاران شجاع گنجه تا فراز قله‌های قفقاز می‌برد. نگاه فزون خواهانه و دهشت‌بار روس‌ها به فراتر از این‌ها دوخته شده بود.» وامانده‌گان
۱	۳	در گروه واژگان زیر، غلط‌های املايي را بیابید و درستشان را بنویسید. (اردیبهشت ۱۴۰۳، خانم جوکار، فارس) «حمیت و غیرت - محبوب و مستور - الحاح و اسرار - معونت و مظاهرهت - مهملی و بی‌کارگی - خان‌های غذاره‌کش» الحاح و اصرار / خان‌های قداره‌کش
۰/۵	۴	املاي درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. (اردیبهشت ۱۴۰۳، طرح سه نما) اصرار / اهتزاز الف) جلال‌الدین محمد به (اصرار / اسرار) مریدان پدر، مجالس درس و وعظ را به عهده گرفت. ب) پرچم روس‌ها در خاک آغشته به خون بی‌گناهان به (احتزاز / اهتزاز) درآمد.
۰/۲۵	۵	در همهٔ گزینه‌ها به جز گزینهٔ غلط املايي وجود دارد. (اردیبهشت ۱۴۰۳، طرح سه نما) ج الف) اشتر طلبید و مهمل آراست. ب) من نهایت بعد اختیار کردم که غربت را خطر بسیار است. ج) حق تعالی چون اصناف موجودات می‌آفرید، وسایط گوناگون در هر مقام، بر کار کرد. د) سپیدهٔ فردای گنجه با نحیب گلوله‌های توپ روس باز شد.
۰/۲۵	۶	با توجه به معنی واژه‌ها، املاي کلمات کدام گزینه تماماً درست است؟ (اردیبهشت ۱۴۰۳، طرح سه نما) د الف) خالیگر: آشپز / سروش: فرشته ب) رشهه: قطره / محوطه: پهنه ج) مستحقان: نیازمندان / صفیر: فرستاده د) الحاح: پافشاری / مظاهرهت: پشتیبانی
۱	۷	در گروه کلمات زیر، دو غلط املايي بیابید و درست آنها را بنویسید. (اردیبهشت ۱۴۰۳، طرح سه نما) اندرز دادن و مناصحت - صلت فخر - شک و شائبه - مطاوعت و فرمانبری - مصامحه و ساده‌انگاری - افراط و تفریط - مهملی و بیکاری - صافی و پاکی - خایب و ناامید - اذن و رخصت - امتناء و سرباز زدن مصامحه / امتناع
۰/۷۵	۸	کدام واژهٔ داخل کمانک از نظر املايي درست است؟ (اردیبهشت ۱۴۰۳، طرح سه نما) صباحت / قلا / هلال الف) عزیزترین رفقای من که حسن سیرت را با (صباح / سباحت) توأم داشت، لبخندی زده و گفت ب) من (قلا / غلا) کردم و روزی که بیرزن نبود رفتم سراغ بقچه‌اش ج) کشتی‌گیری بود که در زورآزمایی شهره بود؛ بدر در میدان او (هلالی / حلالی) بود و رستم به دستان او زالی.

۰/۷۵	<p>در کدام یک از عبارات زیر غلط املائی دیده می‌شود؟ آن را اصلاح کنید. (اردیبهشت ۱۴۰۳، طرح سه نما)</p> <p>الف) ناگاه آن دیدند که چون آب نیرو کرده بود و کشتی پر شده، نشسته و دریدن گرفت. آن گاه آگاه شدند که غرقه خواست شد. بانگ و هراز و غریو خاست. امیر برخاست.</p> <p>ب) و چون ایشان حقوق مرا به طاعت و مناسحت بگزاردند و به معونت و مظاهرت ایشان از دست صیاد بجستم، مرا نیز از عهدهٔ لوازم ریاست بیرون باید آمد و مواجب صیادت را به ادا رسانید.</p> <p>پاسخ: ب / مناصحت / صیادت</p>	۹
۰/۲۵	<p>در کدامیک از گزینه‌های زیر غلط املائی دیده نمی‌شود؟ (اردیبهشت ۱۴۰۳، طرح سه نما) د</p> <p>الف) از آنها که خورشید فریادشان / دمید از گلی سحرزاده‌شان</p> <p>ب) بزن زخم، این مرحم عاشق است / که بی‌زخم مردن غم عاشق است</p> <p>ج) حلا منکر جان و جانان ما / بزن زخم انکار بر جان ما</p> <p>د) چه جانانه چرخ جنون می‌زنند / دف عشق با دست خون می‌زنند.</p>	۱۰
۰/۵	<p>کدام بیت به لحاظ املائی درست است؟ (اردیبهشت ۱۴۰۳، طرح سه نما) الف</p> <p>الف) سپر بر سر آورد شیر اله / علم کرد شمشیر آن ازدها</p> <p>ب) بیفشرد چون کوه پا بر زمین / بخواید دندان به دندان کین</p>	۱۱
۰/۵	<p>املائی درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. (شهریور ۱۴۰۲، ساسانی، گلستان) قبا / صواب</p> <p>الف) زره لخت لخت و (غبا / قبا) چاک چاک / سر و روی مردان پر از گرد و خاک.</p> <p>ب) حالی (ثواب / صواب) آن باشد که جمله به طریق تعاون قوتی کنید تا دام از جای برگیریم.</p>	۱۲
۰/۵	<p>در کدام گزینه نادرستی املائی وجود دارد؟ (شهریور ۱۴۰۲، ساسانی، گلستان) ج ضبط</p> <p>الف) محبوب گشت از مردمان، مگراز اطبا و تنی چند از خدمتکاران مرد و زن و دل‌ها سخت متحیر شد تا حال چون شود؟</p> <p>ب) از لحاظ آشنایی با ادبیات، سعدی برای من به منزلهٔ شیر آغوز بود برای طفل که پایهٔ عضله‌ی او را می‌نهد.</p> <p>ج) صیاد شادمان گشت و گرازان به تگ ایستاد، تا ایشان را در ظبط آرد و کبوتران اضطرابی می‌کردند.</p> <p>د) کتاب دعا و جودی و هر چه از این کتب تعزیه و مرثیه بود، همراه داشت. همهٔ این کتاب‌ها را در یک بقچه می‌پیچید.</p>	۱۳
۱	<p>گروه کلمات نادرست را بیابید و درست آن‌ها را بنویسید. (دو مورد) (شهریور ۱۴۰۲، ساسانی، گلستان)</p> <p>فکر و هواس - سوءظن پیرمرد - مناسک حج - منبع بی‌شاعبه - طاعت و مطاوعت - خوالیگری چالاک</p> <p>..... فکر و حواس / منبع بی‌شائبه</p>	۱۴
۰/۲۵	<p>در کدام گزینه نادرستی املائی وجود ندارد؟ (خرداد ۱۴۰۲، ساسانی، گلستان) گزینهٔ ج</p> <p>الف) شما نظریات و خاسته‌های مرا به گوش طلبان جوان حوزه برسانید.</p> <p>ب) حاج آقا مدرس با کدام یک کار می‌کند؟ قلب یا مغز؟ کدام را ترجیح می‌دهد؟</p> <p>ج) بروم بالای منبر و بگویم که رنج رعیت بس است؟ حکومت خان‌های قذاره‌کش بس است.</p> <p>د) این قول بی‌شاخ و دم که معلوم نیست چطور او را - از درباری سفارت آلمان - به اینجا رسانده‌اند.</p>	۱۵

۱۶	در هر یک از موارد زیر املائی یک واژه نادرست است؛ آن‌ها را بیابید و اصلاح کنید. (خرداد ۱۴۰۲، ساسانی، گلستان) الف) در پى اش القصه در آن مرغزار / رفت بر این قائده روزی سه چار. قاعده ب) بادهای اواخر زمستان، ناله‌های وامانده‌گان را تا فراز قلّه‌های قفقاز می‌برد. وامانده‌گان
۱۷	املائی درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. (خرداد ۱۴۰۲، ساسانی، گلستان) فارغ / صغیر الف) تا نزدیک نماز پیشین از این مهمات (فارق / فارغ) شده بود. ب) سپیده فردای گنجه با نهیب و (سفیر / صغیر) گلوله‌های توپ روس، باز شد.
۱۸	در گروه واژگان زیر، املائی سه واژه نادرست است؛ آن‌ها را بیابید و درستشان را بنویسید. (خرداد ۱۴۰۲، ساسانی، گلستان) «ذوق و قریحه - طوع و رقبت - معونت و مظاهرت - محملی و ولنکاری - خالص و بی‌شاعبه - خوان عدل» پاسخ: طوع و رغبت / مهملی و ولنکاری / خالص و بی‌شائبه
۱۹	املائی درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. (خرداد ۱۴۰۲، ساسانی، گلستان) آغوز / صواب / مرهم الف) آثار سعدی برای من به منزله شیر (آغوز / آقوز) بود. ب) حالی (صواب / ثواب) آن باشد که جمله به طریق تعاون قوتی کنید. ج) بزن زخم، این (مرحم / مرهم) عاشق است / که بی‌زخم مردن غم عاشق است.
۲۰	در گروه واژگان زیر، سه نادرستی املائی وجود دارد؛ آن‌ها را بیابید و درستشان را بنویسید. (خرداد ۱۴۰۲، ساسانی، گلستان) «طعن و ناسزا - نهیب و سفیر - تعزیه و مرثیه - فروق خرگه خوارزمشاهی - طوع و رقبت - مفرح ذات» پاسخ: نهیب و صغیر / فروغ خرگه خوارزمشاهی / طوع و رغبت
۲۱	در متن زیر املائی دو واژه نادرست است؛ آن دو را بیابید و اصلاح کنید. (خرداد ۱۴۰۲، ساسانی، گلستان) «چون ایشان حقوق مرا به طاعت و مناصحت بگذارند و به معونت و مظاهرت ایشان از دست صیاد بجستم، مرا نیز از عهده لوازم ریاست بیرون باید آمد و موجب صیادت را به آدا رسانید.» بگزارند / سیادت
۲۲	املائی درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. (دی ۱۴۰۲، ساسانی، گلستان) طین / محمل الف) تو ز قرآن ای پسر ظاهر مبین دیو آدم را نبیند غیر (تین / طین). ب) چون موسم حج رسید برخاست اشتر طلبید و (محمل / مهمل) آراست.
۲۳	در متن زیر یک غلط املائی وجود دارد؛ آن را بیابید و درستش را بنویسید. (دی ۱۴۰۲، ساسانی، گلستان) «حق تعالی عزرائیل را بفرمود: «برو؛ اگر به طوع و رقبت نیاید، به اکراه و به اجبار، برگیر و بیاور». او بیامد و به قهر یک قبضه خاک از روی جمله زمین برگرفت و بیاورد. آن خاک را میان مکه و طائف فروکرد.» رغبت
۲۴	املائی دو گروه از واژگان زیر نادرست است؛ آن دو را بیابید و درستشان را بنویسید. (دی ۱۴۰۲، ساسانی، گلستان) «خوار و زبون - غیرت و همیت - محجوب و مستور - نهیب و صغیر - منبع بی‌شاعبه ایمان - ذوق و قریحه» غیرت و حمیت / منبع بی‌شائبه ایمان
۲۵	کدام یک از ابیات زیر فاقد غلط املائی است؟ (فروردین ۱۴۰۳، آموزش و پرورش شهر تهران) الف الف) پرواز شدند و پر گشودند به عرش / هر چند که دست بسته بودند آنها ب) بزن زخم، این مرحم عاشق است / که بی‌زخم مردن غم عاشق است.

۰/۲۵	<p>در متن زیر املاي چند واژه غلط است؟ (فروردین ۱۴۰۳، آموزش و پرورش شهر تهران) دو (اندک مایه / گزارده باشیم) «بوالحسن بولانی و پسرش بوبکر، اندک مایع ضیعتی دارند. یک کیسه به پدر باید داد و یک کیسه به پسر؛ تا فراخ‌تر بتوانند زیست و ما حق این نعمت تن‌درستی که باز یافتیم، لختی گزارده باشیم.»</p>	۲۶
۰/۵	<p>در متن زیر املاي دو واژه غلط است؛ شکل درست آنها را بنویسید. (فروردین ۱۴۰۳، آموزش و پرورش شهر تهران) مذلت / خواری «خاک ذلیل را از حضرت عزت به چندین اعزاز می‌خوانند و خاک در کمال مزلت و خاری، با حضرت عزت کبریایی، چندین ناز می‌کند و با این همه، حضرت غنا، دیگری را به جای او نخواند و این سر با دیگری در میان نهد.»</p>	۲۷
۱	<p>در هر یک از ابیات و عبارات زیر شکل درست واژه‌ها را از دیدگاه املاي برگزینید. (فروردین ۱۴۰۳، آموزش و پرورش شهر تهران)</p> <p>الف) بدر در میدان او (حلالی / هلالی) بودی. هلالی</p> <p>ب) چو (غلتید / غلطید) در خاک آن ژنده فیل / بزد بوسه بر دست او جبرئیل. غلتید</p> <p>ج) سپیدهٔ فردای گنجه با نهیب و (صفیر / سفیر) گلوله‌های توپ روس باز شد. صفیر</p> <p>د) چون موسم حج رسید (برخواست / برخواست) / اشتر طلید و محمل آراست. برخاست</p>	۲۸
۰/۷۵	<p>در هر یک از عبارت‌های زیر، یک نادرستی املاي یا رسم‌الخطی وجود دارد، آنها را پیدا کنید و درستشان را بنویسید. (خرداد ۱۴۰۲، ساسانی، گلستان)</p> <p>الف) بانگ و هزاهز و غریو خاست. امیر برخواست. برخاست</p> <p>ب) به معونت و مضاهرت ایشان از دست صیاد بجستم. مضاهرت</p> <p>ج) زادالمعاد و کتاب دعا و کتاب جودی و هرچه از این کتب تعدیه و مرثیه بود، همراه داشت. تعزیه</p>	۲۹
۰/۲۵	<p>در همه گزینه‌ها به جز گزینه نادرستی املاي دیده می‌شود. (خرداد ۱۴۰۲، ساسانی، گلستان) الف</p> <p>الف) مردم روزگار بر تقوا و زهد او متفق بودند.</p> <p>ب) طالبان علوم شریعت در محضر او حاضر می‌شدند.</p> <p>ج) به ترانه‌های شیرین، به بهانه‌های ذرین / بکشید سوی خانه مه خوب خوش لقا را.</p> <p>د) هر نفس آواز عشق می‌رسد از چپ و راست / ما به فلک می‌رویم عظم تماشا که راست؟</p>	۳۰